شعلهٔ جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره هفتم پنجشنبه ۲۶ ثور ۱۳۴۷ هـ ۱۶ می ۶۸

گروهی باانضباطی که‌به اندیشه‌های پیشرو عصر زوال امپریالیزم مسلح است وشیوه انتقاد از خود رابکار می بندد وبا توده های مـود م صمیمانه پیوند دارد و روشنفکرا ن‌پیشرو و وفادار به توده را رهبری می کند، جبهه واحدی مرکب از تمام‌طبقات وگرو های پیرو جهش کیفی به رهبری دسته فو ق الذکر ســه‌سلاح عمده ایست که بدان و سیلـه دشمن را می تو ان از پا در آورد .

مارش نبرد انگیز رنجبران از کرانه‌های شمالی کشور بسوی کابل

. گروهی از کار گران آگاه پروژه های (تفحصات‌پترول)ولایت‌جوزجان دراثر بیداد گری های کار فرما یان وبر افراشته نگهد اشتن درفش بر افتخار مبارزه بانظم آهنین وصفوف فشرده وبکار بستن شیوه ستـوده واخلاق کار گری پیاده بسوی کابل به مارش آغاز کرده اند .

کار گران قهر مان* باپا یمردی ونیروی شگفت انگیز مـو ا نـع ودشوا ریهای زیادی راکه دستگاه حاکمه بر سر راه شان قرار داده‌بود درهم شکسته ازراه ها وکوهپایه‌های دشوار گزار ودشتهای پهناورگذشته واستوار تر از صخره های خارائین به پیش می شتابند واکنون که این نوشته دردست ترتیب است‌تاحوالی شهر پلخمری رسیده اند .

خبرنگار ما جریان را چنین گزارش میدهد که :

وقتی رئیس تفحصات شبر غـان به عرایض ایشان وقعی نمی گذارد آنان میخوا هند با وسایط نقلیه‌بسوی کابل حرکت کنند ولی ممانعت جدی اولیای امور موجب مارش کارگران بسوی بلخ میشود .

پا سداران منافع ار تجاع بعداز آنکه با توسل به قوه نمیتوانندمانع اراده کار گران گردند از هوتلداران وسایر اشخاص‌طول‌راه تقاضامیکنند تااز دادن غذاوسایر وسایل ضروری خود داری کنند کار گران در طـول راه علف میخورند خوب دقت کنید کار گران عزیز اینست دمو کراسی برای شما ، در قرن بیست کار گر را وادار میکنند تامانند انسان عصر حجر گیا هخواری کندآستا نبو سان ار تجاع‌برای گول‌زدن‌شما میخواهند یك چنین دمو کراسی را نتیجه‌اراده شما بدانند اراده اینکه کار گران را وادار به گیا هخواری میکنند .

زما نیکه کار گرن در حدود سرخ کوتل میر سبند ، کار گران آگـــاه نساجی پلخمری ومتعلمین‌رو شنفکر پلخمری به پیشواز ایشان میرونـد اینجا درین منطقه کار گری است که پاسد اران (پاشنه آهنین) ار تجاع به‌تب لرزه مرگ گرفتار میشو نـد زیرا صر فنظر از ۳٦۰ نفر کار گر شبر غان ۲٤۰۰ نفر کار گرنساجـی پلخمری ،بیش از ۵۰۰ نفر کارگران شر کت قـنـد بـغـلا ن و۲۰۰۰ نفر کار گر اجیر قوای کار جداتصمیـم . تا درین مارش بی سابقـه وتاریخی سنهم بگیرند ولی‌قبل‌ازآنکه این‌دو اردوی کار گـر بهم برسند عمال ار تجاع به قـو ای ژانـدارم وپلیس بغلان‌ونهرین‌متوسل میشوند وبهر ترتیبی که هست ازبهم‌رسیدن کار گران به همدیگر مانع میشو ند کـار گران آگـاه نساجـی پلخمری تاساعت یك شب ۲۲ ثوربه‌مظاهره خود ادامه میدهند .

طبق آخرین اطلاع خبر نگار مـا این ۳٦۰ کارگر شبرغان را دربغلان وسرخ کوتل توقیف کـرده انـد ومیخواهند حتی باتوسل به خانواده های شان‌آنان‌را باز گردانندهمچنان یك تولی عسکر مسلح را ما مـور مراقبت کار گران نساجی ویك تولی دیگر را مامور مرا قبت کار گـران قند بغلان نموده انـد ولـی وضـع کار گران که از شبر غان الی سرخ کوتل به مارش خود ادامه داده اند بقدری تاثر آوررقت انگیز است‌که کار گران نساجی وشر کت قنـــد دوروز شد دست از کار کشیده اند.

سه نفرازکار گران نساجی به‌خبر نگار ما گفتند :مابهر قیمتی که‌شود در راه رهایی رفقای کار گر خـــود ایستا دگی میکنیم وبا ایشان متحدا بسوی کابل مارش میکنیم زیرا وضع زندگی مانیز چندان بهتر از رفقای کار گر شبر غانی ما نیست .

کار گران نساجی پلخمری اظهار کردند : رفتار وحشیانه طفیلی‌های مرتجع‌بما تجربه‌میدهد که‌هرگز ممکن نیست‌باتوسل‌به جلب‌ترحم‌وعذروزاری به مرتجعین به مقصود خود برسیم مادرراه احقاق‌حقوق خویش‌وبرادران کار گرخود بصورت پیگیر ومـداوم به مبارزه خود ادامه میدهیم وسـر انجام پیروز میشویم .

کار گران قهر مان کرانه هـــای شمالی کشور با این جهش بزرگ به پیش در تاریخ مبارزات طبقاتـی افغا نستان باب نوینی را کشودنـد این مارش‌پرافتخارطلیعه صبح‌فردای رهایی زحمتکشان کشور از زنجیر بیداد وستم‌ومظهر توانمندی وآگاهی رنجبر ان افغا نستان است .

شعله جاوید به کار گران قهرمان درود گرم می فرستد وایمان عمیق دارد که‌سر انـجام درفش کلـگو ن پیروزی رنجبر ان برافر اشته‌خواهد شدودشمنان آنان‌درزباله‌دان‌تاریخـ این شایسته ترین جایگاه خـو یش سرنگون خواهندگردید.

دوکتور عبدالله محمودی

منشأ تراکم سرمایه

برای تمدید حیات وطی طر یـق تکامل اجتماع انسان ضرورت بـه تو لید نعمات مادی دارد. اجتما ع بشری همانطوریکه از تـولید. نعم مادی چشم پوشیده نمیتواند، بهمان نهج ازمصرف آن‌هم جلو نمیگیرد .

روز بروز وسال بسال انسانها به نان، گوشت ودگر مواد غذائـی احتیاج احسا س کرده وهکذا بـه لباس وکفش وسایرمواد مورداحتیاج ضرورت دارند. انسانها چه درعهد کمون اولیه، چه‌در نظام بردگی، چه درنظام فیودالی وچه درنظام سرمایه داری وامپریالستی ونظامهای مترقی دگر روی ضرورت اجتماعی بایدهمه این مواد طرف ضرورت را تو لـید کنند .

درسیر جریان تولیدی که روبـه تکامل است تحت یك جبر اجتماعی انسا نها مراحل مختلفه ارتقائی را پیموده تابالاخره دربرخی ازممالـك مـوجـودهٔ جهان نظام های ستودهٔ مترقی عرض اندام نموده است .

درخلال این جریان تولیدی وقتی ما به تولید جهان سرمایه داری نـظر بیاندازیم می بینیم که دریك مرحلهٔ معین پول بسرمایه تبدیل شده وبا سرمایه ارزش اضافی بیشتر عرضه گردید وبا این ارزش اضافی حجـم سرمایه بیشتر میگردد. بعبارهٔ دیگر تراکم سرمایه ارزش اضافی را با ر آورده وارزش اضافی جریان تو لید سرمایه داری را پیش کشدهٔ وایـن امر بذات‌خود منافع سرشار سرمایه ونیروی کار را در دست صا حبان کالا تمرکز میدهد. تمام‌این‌فعالیت‌ها که درداخل یك دایره معیوبه‌بجریان است منشأ تراکم سرمایه را توضیح میدهد، یعنی یك تراکمی که نتیجه تولید سرمایه داری نبوده بلکه آغاز آن میبا شد .

درپندار های عامیانه چنین‌وانمود میگردد، که از اعصار خیلی قدیم‌در اجتماع بشر ی دریك قطب مر دم ذکی، فعال ونجیب قرار داشت کـه بدون قبول رنج وتکلیف نان خودرا بدست آورده ودر قطب دیگر گروه انبوه مردم تنبل، بد بخت ونا دار قرار داده شده که نان خود را بـا عرق جبین وآبله کف دست گـرد میآورند. بهرحال باید قبول کردکه دریك قطب ثروت تراکـم نموده و قطب دگر از فقر نشانی دارد .

طوریکه تولید ومنابع حیاتی د ر آغاز امر داخل سرمایه نمیگر د ند پول وکالا هم در اول قید سر مایه نمیشو ند .

برای اینکه پول وکالا به سرمایه تبدیل شوند لازم است این تغیـر تحت شرایط مشخص صورت گیرد:

دوگروه مختلف صاحبان کا لا در مقابل هم قرار گرفته ودر تماس یك دیگر اند، دریك سوار بابان پو ل، تولید ومنا فع حیاتی، که حاصل ارزش های خویش راباخرید نیروی کار دیگران بدست آورده اند قـرار گـرفته ودر جانب مقابل کارگـران آزاد، فرو شنده گـان نیروی کـار خویش یعنی فروش گاران کـا ر اخذ موقـع نموده انـد کـار گران آزادبمفهوم دوگانه‌آنهائی هستندکه طور شاید وباید نه در جمله وسایل تولید محسوب میگردند مثل‌بردگان وسرف‌ها ونه‌ازخود وسایل تولیـد دارند مانند دهاقین صاحب اقتصاد شخصی. این کارگران فاقد همه‌چیز آزاد ومجرد هستند با موقع گیر ی این‌دو قـطب مـتقابل در مـارکیت کالائی اساس تو لید سر مایه‌داری گذاشته می شود مناسبات سرمایه در تامین شرایط کار جدائی را بیـن کارگران وکارفرمایان سبب میشود. بمجرد که تولید سرمایه داری جا ن بگیرد محض به این تفرقه جونـی اکـتفا نکـرده، بلکه آن‌رابه سویـه تکاملی دوباره‌تولید می کند.جریانیکه مناسبات سرمایه خلق می کند بجز ازجدائی کارگر ازکار فر ما درخلال شرایط کـار چیـزی دیگـری بوده نمی‌تواند. درین جـریان ازیك‌سـو حیات اجتماعی ووسایل تولید بـــه سرمایه تبدیل شده وازسوی دیگر مؤلدین بی وسیله رابه کار گـران مزدور تبدیل می سازد .

تراکم‌سرمایه درمنشأ بجز ازجریان تاریخی افتراق بین مؤلدین ووسایل تولید چیز دیگری نیست. این‌جریان ازسببی «منشهٔ‌تراکم» شمرده‌میشود که‌پیش آهنگ سرمایه بوده وشیوه تولیدی موافق آن‌را تشکیل میدهد.

مؤلد بی وسیله (کارگر) وقتی‌به شخص خود متکي می باشد که‌تمام زنجیر های وابستگی خودرا از هـم بپاشد، یعنی سرف ویابردهٔ کسی نباشد. برای اینکه فرو شندهٔ آزاد نیروی کار خود گردد وبرای اینکـه کالای خـودرا در هرمارکیتی کـه خریدار دارد عرضه بتواند بـا ید پیوند وعلاقه خودرا بااتحادیه های پیشـه‌وری وحلقـه های شاگردی و واستادی قطع کرده وآزادی خودرا فراهم ساخته بـاشد. بـدینصورت سیر تاریخی کارگر مزدور تشریح

(درص ۳)

جبههٔ متحد ملی
پایه سیاسی دولت دموکراسی ملی

در دوران ما که جهان آبستن دگرگونی های ژرف است و جهان بینی پیشرو جاذبهٔ نیرومندی در میان طبقات و قشر های مترقی سراسر جهان پیدا کرده و به نیروی مادی شگرفی تبدیل شده، نبرد دلیرانهٔ رنجبران کشور های اروپای باختری و هم آهنگ با آن جنبش های رهایی بخش ودموکراتیک خلقهای ستمکش خاور زمین، افریقا وامریکای لاتین_ این سه گرهگاه تضاد های حاد، به شتاب چون آذرخش و نیروی چون بهمن در اوجگیری است. این جنبش های دورانساز هر روز به اوج نوینی میرسد و با هر فرازمندی این سیلاب خروشان بتی از بتان تاریخ سرنگون میشود و «غول پای گلین» امپریالیزم در لجنزار نیستی فروتر می رود. مدافعین استعمار نوین و گروندگان راه آنان که پرچم های‌سیاه خویش‌رادربرابرامپریالیزم خم کرده و نیرو های خود را برای پیروز کردن استراتژی. تاراجگرانهٔ امپریالیست ها و ساختن پایهٔ تیوریك برای سیاست ددمنشانهٔ‌آنان گماشته اند وابستگی درونی‌تضاد میان اردوگاه سوسیالیزم و امپریالیزم و تضاد میان جنبش‌های رهایی بخش ملی و سیستم استعمار امپریالیستی را نادیده انگاشته وبااین سازشکاری آشکارمیخواهند سرشت انقلابی این جنبش ها را پنهان سازند و آنرا به کوره راه جنبش بورژوا دموکراتیك لیبرالی گرایش دهند تا از یکسو راه آشتی باجهانخواران امپریالیست برای شان باز باشد واز سوی دیگر از پشتیبانی طبقات فرمانروای کشور خویش بهره ور گردند.

حال آنکه جنبش های‌آزادیخواهی ودموکراتیک خلقهای خاور زمین امریکای لاتین وافریقا محور وکانون پیکار های طبقاتی جهان کنونی و یك شکل و نمود تضادبین دو سیستم جهانی و بخشی از رستاخیز رنجبران سراسر جهان است.

راه رشد غیر سرمایه داری که اکنون در مقیاس جهانی به ورشکستگی و رسوایی روبروشده یکی از راه هایی است که آیین شکنان دوران ما خلقها را برای‌گام نهادن در آن فرا می خوانندتاآنان‌را از گرایش به شیوه ها و راه های آزمون شدهٔ رهایی باز دارند. در این مقالت بحث بر سر جبههٔ متحد ملی است که بنا بر پندار مدافعین استعمار نوین و دنباله روان آنان پایهٔ سیاسی دولت دموکراسی‌ملی شکل سیاسی راه رشد غیر سرمایه داری را می سازد.

به اساس این پندار جبههٔ متحد ملی متشکل است از نیرو های مترقی، دموکراتیك ومیهن‌پرست کارگران، دهقانان، پیشه وران خورده بورژوازی وبورژوازی ملی که‌درراه‌استقلال و عدم وابستگی، دموکراسی، گشایش مواضع‌سرمایهٔ امپریالیستی و به پایان رسانیدن پیروزمندانهٔ جنبش دموکراتیک وآزادی بخش سهم دارند و هر یک از طبقات دموکراتیک یاد شده می‌تواند جبههٔ متحد ملی را رهبری کند. اینجاست که مدافعین‌استعمار نوین و سرسپردگان آنها درژرف ترین ژرفای سازشکاری و آیین فروشی سرنگون می شوند وجبههٔ متحد ملی را از محتوی انقلابی آن تهی می سازند.

رهنمود های پیشاهنگان جنبش کارگری بما می آموزد که‌ژرف بودن وراستین بودن هر جنبش را تنها بااین معیار می توان ارزیابی کرد که برخاستگان کدام طبقه‌هژمونی‌را بدست دارند و برای اینکه هیچ‌چیز پنهان نماند و سیمای هر جنبش بصورت واقعی آن تجلی کند باید دیدکه رهبری دردست کدامین طبقه است.

جنبش آزادیخواهی و دموکراتیک خلقهای خاورّ زمین، امریکای لاتین وافریقا خصلت ضد امپریالیستی دارد زیرا از نخستین سالهای سدهٔ بیستم به اینسو مقدار سود اضافی که کشور های امپریالیستی از استثمار این خلقها بدست می آرند،

«واصف» باختری

از مقدار سنود اضافی که از استثمار خلقهای کشور های خویش بدست می ارند چندین بار بیشتر است. بنا بر ان تنها ان طبقه می تواند جنبش های رهایی بخش‌ودموکراتیک را با پیروری به فرجام برساند وتا پایان انار پیکارجو و سرسخت بماند که سرشت طبقاتی اش از ریشه ضد استثمار واز تجاع و ضد امپریالیزم، باشد نه آن طبقاتی که خصلت دوگانه ودو جانبه‌ستمکشی و ستمگری دارند ودر راه به انجام رسانیدن رستاخیز ناپیکیرند.

چون رنجبران نمی توانند بدون همرزم وهم پیوند جنبش رهایی بخش ملی را به پیروزی برسانند، مساله هم پیوند و همرزم در دگرگونی های جهشی واز نوسازی بنای جامعه نقش ارزشمندی دارد. رنجبران برای آنکه رهبری جنبش رهایی بخش ملی‌را در دست داشته باشند باید با نیمه رنجبران و دهقانان و طبقهٔ متوسط و درشرایط خاصی با قشر فوقنی ان متفق گردند و جبههٔ متحد پهناوری وابرای نبرد باامپریالیزم و فیودالیزم پی ریزی کنند و به ایجاد محملهای لازم برای بنای‌جامعهٔ‌آینده‌بپردازند.

جبههٔ متحد ملی تنها آنگاه می‌تواند سازمان یابد که همبستگی رنجبران با نیمه رنجبران تأمین شده باشد واین همبستگی‌درصورتی تأمین میشود که رنجبران هژمونی را بدست داشته باشند. نادیده گرفتن این مساله به معنی نفی‌وانکار جبههٔ متحدملی است. در بسا ار کشور های جهان و در بسا از چرخشگاه های تاریخ نیرو های پیشرو به پیریزی چنین‌جبهه‌متحدی پرداخته‌اند.

اکنون بیائیم بر سر اینکه آیا مساله سازماندهی جبهه متحدملی در اوضاع و شرایط کنونی افغانستان در دستور روز قرار دارد و یا نه؟ واقعیات عینی کشورما بیانگر آنست که در شرایط فرمانروایی تاجر بروکرات و ملاك بروکرات که همواره جنبشهای خلق را باز بان گلولهٔ آتشین‌پاسخ گفته اند و از سوی دیگر دسته پیشاهنگ و سازمانگر رنجبران که باید جبههٔ متحد ملی را رهبری کند و در زمینه های سیاسی ایدیولوژی و سازمانی آزادی وهژمونی عمیق و پیشرو خود را نگاه دارد تشکل نیافته چگونه می توان هم پیوستگی طبقات وقشرهای مترقی جامعه را تأمین کرد؟

آیا در چنین شرایطی که مردم از داشتن آزادی ها دیموکراتیک بی‌بهره اند رسیدن به این آرمان امکان پذیر است؟

سر انجام خلقهای ستمکش کشور ما در یك جبههٔ متحد گرد خواهند آمد اما نه بدانگونه که

دبزگر دبچې غږ

س.س

ستره ملاکه نور ستا ژغ به غاړه‌ورلی نشم
ستا دپښو لاندې څپلی ژوند کولی نشم
چه په څپیړه دې د هلم مابه خرڅ کتل
کله‌به ناست‌وم نو لجن کاله پلار ته ژړل
اوس زلمی شوی یمه ستا ظلم‌زغملی نشم
ستا دپښو لاندې څپلی ژوند کولی نشم
ته کرار ناست ئې زه شپه ورځ‌یمه په کارکی لګیا
په ګیده وږی‌تن می لوڅ دی ژوند کوم‌په بیدیا
مری دی نیسمه‌خپل‌مزددر پرېښودلی نشم
ستا دپښو لاندې څپلی ژوند کولی نشم
ستا باداری زما مزدوری به وی‌تر کومه وخته
ته روغ‌رمټ‌زمار نخوری به وی ترکومه وخته
پلار می ستا وکړه غلامی زه یی‌منلی نشم
ستا دپښو لاندې څپلی ژوند کولی نشم
زمایه غوښو دې آبادی کړې مانۍ‌مناری
سری دې کړی‌زما غریب په وینو بلدنګ کناری
آخر به‌زما شی خپل حقه حق دربښلی نشم
ستا دپښو لاندې څپلی ژوند کولی نشم
زما هډوکی ردې تعمیر کی دګاړېه نامه
سترګی می‌وږدی په دیوالو کی‌دمرمر په نامه
بس دی په خپل‌بدن مانۍ آبادولی نشم
ستا دپښو لاندې څپلی ژوند کولی نشم
تل خوښوې غټان له بخانه زما په‌زړه او ځګر
مست دې‌کړل واړه لعینان زمادلاس‌په ثمر
ډیر دی حلال کړل ګوره زه‌حلا لیدلی نشم
ستا دپښو لاندې څپلی ژوند کولی نشم
دجوار ځیر بهدی‌کوتکو لاندی وپرخوم
له شدادی‌شان او شوکت نه به‌تاو غورځوم
ستاچم وچل راته معلوم شو غولیدلی نشم
ستا دپښو لاندې څپلی ژوند کولی نشم
خاشه‌می‌مه گنه ډیر ټینګ غیرت‌ایمان لرمه
وینی به تلی‌کړم له تانه ډیر غټ توان لرمه
ډیر دی ایثار کوم پس له دی ایثاریدلی نشم
ستا دپښو لاندې څپلی ژوند کولی نشم
ستا غټه ګیده به کرم ځیری لرم‌لاس کی غټ لور
حق‌دی‌رانه کړیه خوښی اوس به‌ئې اخلم په زور
نور دکتری په شیشکانو ویریدلی‌نشم
ستا دپښو لاندې څپلی ژوندکو لی نشم
دتاپه وینو خوړنه وینځمه لاس‌او پښی
ورکی به‌نشی له وطنه دظلمونو ریښی
اوس خو ځیدلی یمه شاته‌تمبیدلی نشم
ستا دپښو لاندې څپلی ژوند کولی نشم
دحق ناری په هر لور اورمه غوږونه لرم
زه به هم‌غږ کړمه په زړه کی ډیر دردونه لرم
زه «سخندان» دبزګر زوی نورصبریدلی نشم
ستا دپښو لاندې څپلی ژوند کولی نشم

منشأتراکم سرمایه

میگردد. این کارگران که‌از جبر اتحادیه های صنفی ودیگر گروه‌های اجتماعی آزادی خویش را تامین کرده‌اند بحیث نویسندگان تاریخ سرمایه داری اخذ موقع میکنند.چون وسایل تولید ودیگر وسایل زندگی این رنجبران در نظام فیودالي‌مورد دستبرد وچپاول قرار گرفته این آزادگان جدید مجبورند خودرا در معرض فروش بگذارند .

نباید فراموش کنیم‌که حمله و دستبرد بر حقوق کارگران درتاریخ بشری باخون وشمشیر ثبت شده است.

وقتی سرمایه داران صنعتی پا به بساط تاریخ گذاشتند نه تنها پیشه وران را از ستیز قدرت‌بیرون کشیدند بلکه مالکین سرشار نظام فیودالی را هم‌مورد فشار قراردادند. ازین‌جا مبارزه جدی سرمایه داران صنعتی با فیودالها وپیشه وران بروز کرده در نتیجه تکامل تولیدو استثمار آزاد انسان ذریعهٔ انسان بوجود می آید .

کار گران مزدور که‌در جریان سرمایه داری از همه چیز محرومند ودرآغاز جریان تکاملی بشکل برده بوده‌اند. درجریان نظام فیودالي به سرف تغیرشکل داده ودر نظام سرمایه داری شکل کارگر مزدور را اختیار کرده اند .

نظر به سیر تاریخی سرمایه‌داری بصورت منفرد درقرون ١٤ و١٥ عیسوی دربعضی از شهرهای حوضه مدیترانه بوجود آمده بود. ولی تاریخ ثبت شده سرمایه داری در قرن شانزدهم بنظر میخورد جائیکه شیوه تولید سرمایه داری پیدا شده مناسبات سرواژ ازبین رفته وعصر قرون وسطائی سپری گردیده است .

عصر تاریخی که‌درآن منشهٔ تراکم سرمایه به شکل دگر گونی عمیق کیفی ظهور میکند مشخص باصنف سرمایه دار صاحب قدرت درفرصتی ایست که توده های انبوه بشری دفعتاً وجبراً بشکل رنجبران آزاد در می آیند. ودرمارکیتهای کار کشانده می شوند. دستبردوتهاجم بر مؤلدین زراعتی یعنی دهاقین و دورساختن آنها ازملك ومال شان اساس این جریان سرمایه داری را تشکیل می دهد .

سیر تاریخی این جریان درممالك‌مختلف برنگهای مختلف جلوه گرشده ومراحل مختلف آن بمراتب مختلف وبعصر های مختلف تاریخی تحقق می‌پذیرد .

تراکم باب خطریست درعرصه ثروت اجتماعی، این هدف بااستثمار دسته جمعی انسانها و در عین زمان حکم روائی مستقیم و غیرمستقیم سرمایه داران بسط ووسعت‌اختیار میکند ازآنجا که نسبت‌ارزش اضافی درقدم اول بادرجه استثمار نیروی کار ارتباط دارد واز آنجا که‌تسریع تراکم ذریعهٔ ازدیاد نیروی تولیدی کارمشخص شده وتسریع‌آن ذریعهٔ ازدیاد استثمار کارگران‌صورت می گیرد وازآنجاکه مزدکار بصورت اصغری ارزش نیروی کاراست لذا کاهش جبری مزد کار در تحت این ارزش درتراکم سرمایه رول بارز دارد .

زموږ اوسني اقتصاد چه‌دولتي

سکتو ر په نامه یا دیږی

-۲-

د دوهم پلان خارجي منابع چه په سر مایه گذاری او خارجي پورونو باندی ولاړ او د دولت په لاس کی دی ۳۵۲ ملیون دالر ته رسیږی چه تقریباً دپیش بیني‌شوو لگښتو نو په سلو کی شپیته بر خه نیسی .
پور تني حقیقت دغه مطلب څرگندوی چه. زموږ اوسني اقتصاد یوه نیمه استعماری اقصاد او دامپر یالیزم اود نوی استعمار مدا فعینو د نفوذ اصلي عامل پخپله دولت دی .لاندی حقیقت زموږ ادعا لا پسی تا ئیدوی د دوهم پلان دداخلي مصا رفو تمویل چه ۱۱/۹ ملیارد افغا نیو ته رسیږی نیمائی ۵/۲ ملیارد افغانی د خارجي استهلا کی موادو د مرستي له لاری لاسته راغلی دی . او دا پخپله ښیی چه افغا نستان د امپر یالیزم او د نوی استعمار مدا فعینو د بازار حیثیت څانته خوندی کړی دی .

په دغسی «کمکو نو» کی دخارجي دولتو نو بر خه په لاندی توگه ده
امریکا
١٢٦٣ ملیون افغانی
شوروی اتحاد
١٠٩٨ ملیون افغاني
لو یدیز آلمان
٣٨٨ ملیون افغاني

دنړی دخورا کی موادو موسسه (دامپر یا لیستی دولتو نو ترنظارت لاندی) ٥١ ملیون افغاني .

بر سیره پر دی دفني او تخنیکي امدا دومجمو عه‌چه‌د مربوطوموافقت نامو لاندی (فر هنگي توا میتو نه او نور) افغا نستان ته ورکړ شوی دی په کال کی تقریباً ١٠ ملیون دالر ته رسیږی چه خارج ته محصلینو استول او دخار جي متخصیصنو استخدام په څه کی اساسی برخه لری .

له‌دی نه څرگندیږی چه دو لتي اقتصاد پخپله دفاسد .استعماری فرهنگ اود هغه نوی ورپسي‌تلونکو دنفوذ اصلي عامل گڼل کیږی .

اوس نو د گورو چه ددوهم پلان په جریان کی دولتي اقتصاد له څه نتیجي لاس ته راغلی دی .

په‌دغه‌پلان کی‌مواصلات‌او مخابرات لمړنی مقام لری یعنی ددوم پلان دحقیقي مصرف له مجموعي څخه په سلو کی پنځه دیرش «٦ ملیارد او ١٠٠ملیون افغانی» او بیا بالترتیب معادن وصنایع په سلو کی ٧ر٢٤ «٦ ملیارد» کرهنی او اوبو لگولو په سلو کی ٦ر١٦ «٤ملیارد ٢٠٠ملیون» داارقام پخپله ددی شاهد دی چه‌دوم پلان په افغانستان کی یوه نیمه استعماری اقتصاد پربنا باندی‌درول شوی دی چه تاجر دلال بروکرات ، امپریالیزم او دنوی‌استعمار مدافعینو کتي تامینوی، څکه چه عصری مواصلات او مخابرات پخپله د تاجر دلال دبهره کښي او استثمار اصلي شرط او اساسی تلی دی. د طبیعي منابعو سروی د امپریالیزم او دنوی استعمار مدافعینو ته د استثمارزمینه برابروی .

دپنځه کلن پلان صنعتي تولیدات داقتصاد هغي څانگي تقویت کړی دی چه د تاجر دلال بیروکرات، امپریالیزم او دنوی‌استعمار مدافعینو په خدمت کی دی.لکه چه‌دبرق‌دانرژی زیاتوالی، سمنټ، گاز ،پختی‌او نور ددغه مطلب څرگند مثال دی. نوځکه دهیواد په اقتصادی‌دوهم پلان نتیجي په عمومي صورت دا لاندی نتیجي دی .

په مالي دگرکی‌امپریالیزم اودنوی استعمار مدافعینو ته زموږ اړ و الی لاپسی ډیر شوی دی .

داقتصادی زیر بنا په ډگر کی دامپریالیزم اودنوی‌استعمارمدافعینو داستثمار زمینه لانور هم برابروی .
دملي او محلي تولیداتو په ډگر کی دملي تاجر، کسبگرانو او کلیوالي کورني اقتصادیي ور شکست کړی او ورته سخت توان رسولی دی .
دکرهنی په برخه کی د خوراکي تولید اتو دکموالی عامل گرځید لی او اړتیاوی یی داستهلاکی او اومه صنعتي صادراتي موادو زیا تو الی زموږ له نظره لاپسی ډیر کړی دی .

«نوربیا»

ق،ش

به‌رنجبران

تو ای انسان دورانساز ای‌سازندهٔ تاریخ
چرائی این چنین در بند ارباب‌غنا و زر
که از نیروی بازوی تواین دژخیم‌افسونگر
بدست آورده آن زر را
چرا ای رنجبر ای پیشتاز خلق‌زحمتکش
بیك جنبش
بیك عصیان
نمی سازی رها خرد را
تومیدانی که یك مشت سیا ه‌اندیش
سخن گویند از تو لیك
نیند آ گاه از رنج روا نسوزت.
همی دانی تو ای انسان‌دورانساز
که آخر این نظام کهنه و فرتوت‌ملاکی وهم آهنگ استعمار
دگر گون میشود از خشمت ونابود میگردد .
ودر پا یان این شام سیاه تیره‌روزی ها
جهان رو شن شود از شعلهٔخور شید رستا خیز جان بخشت .
تومیدانی که بس اهر یمن‌آدم‌رخ‌شیادو بد گوهر
به فر جا مین نفس ها یش قرین‌گردیده وخواهند
که‌با آهنگ شیپو ر پلیدی سازنوسازند.
بدان کاین نای خشن آ واز و بدآهنگ
جز این دیری نمی پا ید
وسازی هم نخواهد ساخت.
تو ای انسان دو را نساز آگاهی
که جز نیروی شبخون عظیم‌صنف‌کارگر
و جز رزمندگی های سر یع‌صنف بر زیگر
نباشد راه آزادی در این دژستم‌گستر

اعتصاب کار گران فابر یکهٔ جنگلك

روز سه شنبه ٢٤ ثور کارگران فابریکه جنگلك از ساعت ٨صبح تا شام بدون صرف غذای پیشین‌دست به اعتصاب زده بودند. خواسته‌های آنان کوپون، افزودی معاش، تهیه وسایل حمل ونقل، دریشی و غیره بود. دراخیر کارگران فیصله کردند که تااحقاق حقوق خویش دست از اعتصاب نخواهند برداشت .

شعله جاوید به کارگران جنگلك ودیگر رنجبرانی که درك کرده‌اند: «جز ازطریق مبارزه پیگیر ومدا وم نمیتوان حقوق خویشرا بدست‌آورد» درود وشاد باش میگوید .

لهیب

مبارزه باسازشکاران جزلاینفک
مبارزه باامپریالیزم است

امپر یا لیزم بین‌المللی بسر دمداری ایالات متحده امریکا درمقابل مبار زه قهر ما نانه و قهر آمیز خلقهای پیر و ز مند و کبیر آسیا، افریقا و امریکای لاتین بزانو درآمده است واکنون آخرین نیر نگ ها ی سالو سانه اش‌رابکار میبندندتابازهم به عمر به اصطلاح آفتاب سر کویش چند روزی بیفزاید. دست نشاندگان و عمال امپر یالیزم در هر جا ئیکه بر مسند قدرت نشسته اند، به هزا ران دسیسه مانند مغرو قی که بخوا هد آخرین دست و پا را بر ای نجات بزند متو سل میشوند، تااراده رزمنده توده ها را درهم شکنند، در صفوف شان رخنه کنند، ایمان‌شانرا به مبارزه ودگر گونی ا جتماع سست گردانند وامید به پیروزی شانرا بکشند. اما سر انجام ا ین خلق‌است که‌پیروزمیشودنه ار تجاع. خشم بنیان کن و تو فا نزای توده مانند سیل بی امان نا گهان نا ز ل می شود و دنیا ننگینی را که‌مرتجعین پاسدار آنند ، بهم می ریزد و چون آذر خشی در خشان تند و خو نین خس و خا شاکی را که دو دسته به چرخ تاریخ چسپیده ا ند و خواستار بر گرداندن آن به‌عقب‌اند،میسوزاند ونابود می‌کند. غولان پای گلین راکه سد راه ایشان است از راه دور می نماید و راه خود را به پیش باز می کند.

دشمن خلق در صف مقابل قر ار دارد و داغ سیاه خیانت بر جبین‌اش نقش بسته است. شنا ختن ا ین عفریت مکار که ما نند را مشگرا ن برای فریب توده دست می افشا ند وهدیه قلابی پیشکش میکند ممکن بسیار دشوار نباشد. دشمن بر ای آنکه در صف فشرده و آهنین مردم رخنه کند دشمنان دوست نما را در عقب جبهه ودر صفوف شان بنا م مترقی و پیشرو جامی زند.

شناخت این دشمن که دو ست نماست ولی دو ست نیست بمراتب دشوارتر است. اینان به ظاهرخودرا هم جبهه مردم قلمداد میکنند، کوس مردمی رابصدا در می آورد و داد خلق و توده می ز نند و سنگ مردم پرستی رابه سینه می کو بند. امالاطائلاتی را به جامعه عر ضه میدارند که مدتها پیش از طرف کثیف ترین عناصر خادمین به ار تجاع و خائنین به رنجبران‌از لجن زار را ست روی ها و تجدید نظر طلبی ها و ساز شکار یها سر چشمه گر فته و نشو و نما یا فته است. ایشان این کهنه ترین وفاسد ترین اند یشه های زهر آ گین را بنام پیشرو ترین تفکر، رنگ ز ده و بخور توده ها می دهند، غا فل از اینکه آنچه را امروز ایشان جهت طول عمر ار تجاع، پرده کشیدن‌روی اعمال وقیحانه وبیشرمانه‌او وبردن مردم به امید آب به سراب پیشکش می کنند، مد تها پیش همه جا نبه وبطور قطعی رد شده و شرایط عینی کذب این گو نه نظرات خرده بورژ و آمابانه و مردم کش را به اثبات رسانیده و طر فدا ران آن به گو دال تباهی و خیانت بـه تـوده ها د ر غلطیده‌اند.

این عناصر نمونه آخرین تلا ش مذ بو حانه ار تجاع برای حفظ و حرا ست آ ن چیز ی است که بزور قاپیده و به جبر قبولانده است.

وظیفه و مسؤولیت هر انسانی‌که سر سپرده آنست که با مردم‌دنیائی بیافرینند که در آن از بهره کشی و استثمار خبری نباشد واختلاف‌منافع از میان بر خیزد، انسانی که آرزوی آتشین ادای وظیفه در مقابل مر دم رادر دل پر ورانده و آنرا با عمل انقلابی مزج میکند، انسا نیکه فریاد می زند بر خیزید و زنجیر هـا را بدور ا فگنید ا ینست کـه‌با مبارزه پیگیر و آ شتی ناپذیر علیه ار تجاع، باخادمین ار تجاع نیز سر سختا نه مبارزه نموده ایشان و اید یو لو ژی منحط ایشان ار رسوا و افشا کند .

تالبه تیز مبارزه بطرف د شمن ودشمنان دا خل جبهـه نبا شد تا اندیشه های پیشرو از لوث هاله وغبار ء وا م فر یبا نه ایکه آستا ن بوسان ار تجاع برای اغفال مر دم بدور آن کشیده اند پـاك نشود، مشکل که بسر منزل مقصود برسیم تاوقتی پیکار با امپر یالیزم‌بین‌المللی بسر دمداری امریکا با مبارزه علیه مدافعین استعمار نوین آمیخته‌نشود، دشوار است به صفت پیش آ هنگ توده ها را از اسارت و بند ها ئیکه در زندگی در پای شان پیچیده شده رهائی بخشید.

جبهه متحد ملی

مدافعین استعمار نوین و پـیر وان آنان دستور می دهند.

سر انجام آیین شکنان دو ران ما باآین جنگ ابزار های زنگ آلودکه اززراد خانهٔ بین الملل دوم ربوده‌اند به‌نعش سیاستی تبدیل خواهند شد. سر انجام روند تاریخ و نبرد هـای افق کشای خلقها که انگیزهٔ ژ ر ف ترین چر خشها در دو ران ماست بر این پندار های نا استوار و میان تهی چیره خواهد شد و خلق‌کشورما در راهی گام خواهد نهاد که خلقهای پیکار جوی جهان با گام نها دن درآن به پیروزی رسیده اند.

پیکار، ناکامی باز هم پیکار بازهم ناکامی بازهم پیکار و سر انجا م پیروزی چنین است آیین رهسپاران راه خلق.

نامهٔ از رنجبران

به ادارهٔ محترم شعله جاوید !

ماکارگران فابریکه خانه سا ز ی از کارکنان جریده شعلـه جا وید تقاضا داریم که آوازمارا بتمام خلق ستمدیده برسانند.

امروز که‌ما انسان ها بنام کارگر در پائین ترین سطح ز ندگی قرار گرفته ایم علت‌آن‌استثمار بی‌رحمانه طبقه سرمایه‌داراست. زیراماهمحکوم در زندان کاریم بدین معنـی کـه‌در عقب ماشین ساخته دست بشر کور شویم، دست ما قطع گـردد، پای ما فلج گرددوبالاخره بایك‌ضربه‌بیمقدار زندگی را وداع کنیم. مـاکارگـران حتی از ابتدائی ترین حقوق کارگری محرومیم، خواسته‌های ماذیلاتوضیح میگردد.

کوپون مـواد ار تزا قی کـه از چندین سال بـد ینطرف بـما داده نمیشود باید مانند سایر کـار کنان دوایر داده شود. رئیس فابریکه‌ادعا میکند کسانی‌مستحق‌کوپون‌میگردند که بعقد قرار داد جـد ید نما یند هر کارگر حق داردکه درصورت اجرای یك‌کار سنگین مورد پاداش ومکافات قرار گیرددرصورتیکه‌علایق کارگر را بدون موجب از فابر یـکه قطـع میسازند باید دوماهه معاش بـوی بپردازند ، در حالیکه اگر کار گر به اختیار خود کار را ترك کند مجبور ومکلف است یك ما هـه معاش را به فابریکه بدهد.

هرکارگر حق دارد در یـك سال دو دست دریشی بگیرد در حالیکه ما کار گران خانه سازی در ظـرف دوسال در مقابل پول نقد یکد ست دریشی گرفته ایم.

طبق قانون کار و کار گر هـر کار گر حق‌دارد که شامل بیمهٔ باشد ولیکن ما تاکنون آگاه نیستم‌که‌داکتر کیست وبیمهٔ صحی در کجـاست . اگر کدام بیماری عاید حال ما گردد. ببول شخصی خود تداوی نما ئیم وبعد از رفع بیماری بکار حاضـر شویم وتصدیق د کتور بیاور یـم تصدیق ما مورد قبول رئیس فابریکه واقع نمی شود .

قـا نون کار وکارگر د ر ظـر ف یکسال ۲۰روز رخصتی‌بنام ضرورت قایل شده مگر رئیس فابریکه ما را از استفاده ایـن رخصتی مـحرو م می سازد .

دستگاه نجاری فا بریـکه خانـه سازی ابزار لازمـه را بالای خـود کارگران خریداری می کند آیا ایـن رویه ستمگرانه نیست ؟

ما کار گران فابریکهٔ خانه سا زی اکنون به تمام معنی درك کرده ایـم که هیچ یك ازخواستهای ماازمجاری قوانین مو ضوعه بر اورده شد ه نمی تواند جز اینکه تمام کار گر ان ورنجبران با هم هما هنگ شده‌علیه ظلم واستبداد مبارزه کنیم و حقو ق پامال شدهٔ خویش را بدست آریم .

چند خبر

تظا هرات پیگیر ومداوم

پیکار مداوم وخستگی نا پذ یـر طلاب مکاتب تخنیك عالی ،میخانیکی کابل و صنایع علیه فرهنگ نیمه ملاکی ونیمه استعماری از چند روز بدینطرف لرزه بر اندام مستبد یـن انداخته وشوری در فضای کـا بل طنین انداز است. ایـن حـرکت با جنبش های پیگیر رنجبران از آ ن خشم روز افزونی درونی مردم ا ین ملك نمایندگی میکند که از سالیا ن دراز علیه‌ظلم‌وبیدادجهالت وگسترش فرهنگ استعماری دارند .

شعله جاوید این جنبش های ضد فرهنگ ملاکی واستعماری را بنظر قدر نگریسته وبه مبارزان آن درود وشا د باش میگوید .

• • •

خبر نگار ما از ولایت بلخ گزارش میدهد که بروز سه شنبه ۱۰ ثو ر گروهی از متعلمین لیسه باختر د ر صحن لیسه گرد آمده و میخواستند دست به مظاهره بزنند. انگیزهٔ این اقدام آنان روش بیداد گرانهٔ آ مر مکتب بوده که **میخواهد با تو سل** به ارعاب وتهدید از تجلی ا فـکار شاگردان آگاه وپیشرو جلوگیر ی کند. ولی مقامات حاکمه در لایت بلخ باگسیل‌داشتن پولیس وژاندارم از تظاهرات متعلمین ممانه بـعمل آوردند .

کار کنان محترم جریده «شعله‌جاوید»

چون این جریده بعد از«نداءخلق» اولین جریده است کـه از حقوق پامال شده کار گران، دهقا نا ن و تودهٔ های زحمتکش مـردم د فاع نموده و همیشه صدای مـا را کـه سا زند گان تا ریخ بشر هستیم انعکاس مید هد، تمنا داریم که‌دریك ستون این جر یده این مسئله را نیز درج کنید.

قضیه از ین قرار است:

«بروز پنجشنبه ۱۲ ثور مـد یر تخنیك سمنت غوری پلخمری بر ای اجرای کار های خا نـه خـود یعنی آب رسانی، شستن کالا وپا ك‌کردن خاکروبه و بعضی کار های شا قـه دیگر،میخواستیکنفر کارگر پروژه‌را بدانجا بفر ستد، کار گر جـو ا ن برخلاف میل آمر، زیر بار نر فت که در نتیجه کار گر مو صوف بعداز یك کتك کاری مفصل از کار بر کنار گردید. »

صاحب امتیاز و مـدیر مسئول داکـتر ر حیم (محمو د ی)
آدرس حصه اول جاده میو نـد
حساب در پښتنی تجارتی بانك (۷۲۷٤)
هر پنجشنبه نشر میشود
قیمت هر شماره د و افغانی
دولتی مطبعه